



به نام خدا

گزارش از تحولات حوزه رفاه و تأمین اجتماع در آسیا و آمریکای جنوبی
با تمرکز بر

مکزیک آملو: دولتی برای رفاه و تأمین اجتماعی

تحلیل رخدادهای

December 2018



مرکز مطالعات و پژوهش‌های جهانی



افکارسنجی و نظرسنجی



گزارش تحلیلی شماره (۵)

گزارشی از تحولات حوزه رفاه و تأمین اجتماعی در آسیا و آمریکای جنوبی

با تمرکز بر

مکزیک آملو: دولتی برای رفاه و تأمین اجتماعی

تحلیل رخدادهای December 2018

تالیف و ترجمه: سینا چگینی

ناظر علمی: گروه افکارسنجی و نظرسنجی ویراستار: سعیده گراوند

تاریخ انتشار گزارش: ۹۸/۲/۸

فهرست

۴ چشم‌انداز صندوق‌های مستمري در سال ۲۰۱۸: ضرورت گسترش حمايت از مستمري‌هاي کارگران در گزارش OECD

۵ کاهش سهم حمايت اجتماعي در توليد ناخالص داخلي کشورهاي اروپايي

۸ تظاهرات کارگران بازنشسته در اسپانيا

۹ نياز روزافزون آفريقا به حمايت اجتماعي

۱۲ پرونده ويژه: مکزيک آملو: دولتي براي رفاه و تأمين اجتماعي

۱۲ يک دولت رفاهي در ميان راست‌ها

۱۶ پيش‌زمينه تاريخي و اقتصادي

۱۸ برنامه آملو: مبارزه با نابرابري

۲۵ نتيجه‌گيري: اميد به برابري

۲۷ ضميمه: چگونه نتولير اليسم مکزيک را نابود کرد؟

چشم‌انداز صندوق‌های مستمري در سال ۲۰۱۸: ضرورت گسترش حمايت از مستمري‌هاي کارگران در گزارش OECD

در ماه دسامبر، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) گزارش جدیدی را در تحلیل وضعیت صندوق‌های مستمري منتشر کرد. طبق این گزارش، بهبود طراحی نظام مستمري‌ها در دهه گذشته در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی توانسته است صندوق‌های مستمري را در این کشورها از نظر مالی پایدارتر کند و دولت‌ها در حال حاضر باید روی درآمد مکفی و فراگیر بازنشستگی تمرکز کنند.

این گزارش که تحت عنوان «چشم‌انداز مستمري‌های سال ۲۰۱۸ در کشورهای عضو OECD» منتشر شده است، مطرح می‌کند که دولت‌ها در دوران فعلی با چالش‌هایی از قبیل پیر شدن جمعیت، نرخ پایین بازگشت ذخایر بازنشستگی، رشد پایین، اشتغال بی‌ثبات یا موقت و پوشش ناکافی مستمري‌ها برای تأمین زندگی بسیاری از کارگران، درگیر هستند و باید برای حل این مشکلات تدبیری بیندیشند. طبق این گزارش، بسیاری از کشورهایی که در دهه‌های گذشته، نظام جمعی تأمین اجتماعی و مستمري‌های خود را تغییر دادند و به انفرادی‌سازی و خصوصی‌سازی این صندوق‌ها دست زدند، در این زمینه شکست خورده‌اند. این کشورها پس از بازنگري و بازنديشي نسبت به این سیاست‌ها، به این نتیجه رسیدند بهتر است نظام‌های جمعی مستمري‌ها از قبیل نظام توازن هزینه-درآمد^۱ را بازگردانند و دوباره برقرار کنند یا اینکه شیوه ترکیبی مناسبی را به کار گیرند. این گزارش می‌افزاید که بسیاری از کشورها، سازوکارهای خودکاري برای اصلاح نظام‌های بازنشستگی با تحولات اقتصادی و جمعیت‌شناختی به کار گرفته‌اند که شانس‌های بسیار بیش‌تری را در اختیار مردمی که هیچ حق انتخابی ندارند، قرار می‌دهد. همچنین بسیاری از کشورها، شبکه ایمنی و حمايت دولتي را برای حفاظت در مقابل فقر در دوره بازنشستگی تقويت کرده‌اند. اهم نتایج و توصیه‌های این گزارش جدید از این‌قرار است:^۲

● برقراري مستمري‌هاي ترکیبی و نظام توازن هزینه-درآمد (PAYG)، ایجاد

1. pay-as-you-go

2. <http://yon.ir/XDitt>

سازوکارهای خودکار و شبکه حمایتی و ایمنی قدرتمند برای مستمری‌بگیران، عواید بازنشستگی را بهبود می‌بخشد.

- برای بهبود طراحی مشوق‌های مالی در جهت نجات و حفظ صندوق‌های بازنشستگی، قوانین مالیاتی ثابت و پایدار باید برای تأمین مالی این صندوق‌ها راهنمای سیاست‌ها قرار گیرد و از خلال آن تأمین مالی همه برنامه‌های ذخایر بازنشستگی مورد توجه قرار گیرد. تنظیم هزینه‌ها باید با همراهی کارگران و بر اساس خواست جمعی آن‌ها انجام شود.

- چهارچوب‌های قانونی و تنظیمی صندوق‌های مستمری باید در ید اختیار دولت بماند. صندوق‌های مستمری باید به‌درستی در جهت سیاست‌گذاری و تأمین مالی هدایت شوند. یک نگاه کلی نشان می‌دهد که این دولت‌ها باید مدیران شایسته و پاسخگو را در این صندوق‌ها به کار گیرند؛ شفافیت در تنظیمات نحوه اداره، سرمایه‌گذاری و مدیریت ریسک، آن‌ها را به شرکایشان پاسخگو خواهد کرد.

- افزایش انعطاف در سن بازنشستگی، صندوق‌های عمومی مستمری و قوانین مالیات‌ستانی از ثروتمندان باید مورد توجه قرار گیرد، به طوری که کارگران و مردم عادی سطح امید به زندگی‌شان افزایش یابد و سطح پایداری این صندوق‌ها نیز حفظ شود.

- مستمری‌های بازماندگان هنوز نقش بسیار مهمی را در بهبود استانداردهای زندگی پس از مرگ کارگران ایفا می‌کند. این مستمری‌ها نقش مهمی در بازتوزیع ثروت دارند و همچنین مشوق‌های مهمی برای ادامه کار توسط کارگران هستند.

کاهش سهم حمایت اجتماعی در تولید ناخالص داخلی کشورهای اروپایی

در ۱۲ دسامبر، وبگاه مرکز آمار اتحادیه اروپا (Eurostat) وابسته به اتحادیه اروپا، گزارشی را منتشر کرد که نشان می‌دهد سهم بخش حمایت اجتماعی در تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای اتحادیه اروپا به میزان اندکی نسبت به سال‌های قبل کاهش یافته است. طبق این آمار، بیش‌ترین میزان اختصاص

بودجه به بخش حمایت اجتماعی متعلق به فرانسه، فنلاند و دانمارک است. در میان کل کشورهای عضو اتحادیه اروپا (EU) میانگین مخارج حمایت اجتماعی در سال ۲۰۱۶ میلادی حدود ۲۸,۲ درصد از تولید ناخالص داخلی کل کشورها بوده است که نسبت به سال ۲۰۱۴ که کل کشورها حدود ۲۸,۴ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را صرف انواع حمایت‌های اجتماعی کرده‌اند، کاهش اندکی را نشان می‌دهد. مطابق با این آمار، در سال ۲۰۱۶ دو منبع اصلی تأمین مالی حمایت اجتماعی در کل کشورهای اتحادیه اروپا عبارت‌اند از مشارکت اجتماعی (حقوق‌بیمه‌های دریافتی از کارفرمایان و ...) که حدود ۵۵ درصد تأمین مالی حمایت‌ها را بر عهده داشته‌اند و مشارکت عمومی دولت‌ها از طریق دریافت مالیات که حدود ۴۰ درصد از بودجه حمایت اجتماعی را تأمین کرده است.

اما باید توجه داشت که میزان میانگین سهم حمایت اجتماعی در کل اتحادیه اروپا، اختلافات و ناهمخوانی‌هایی را در خصوص سهم حمایت اجتماعی بین کشورهای مختلف، پنهان می‌کند. برای مثال در سال ۲۰۱۶، مخارج حمایت اجتماعی در کشور فرانسه دست کم ۳۰ درصد از تولید ناخالص داخلی آن کشور را به خود اختصاص داده است، حال آنکه در زمان مشابه در دو کشور فنلاند و دانمارک، سهم حمایت اجتماعی در بودجه ناخالص داخلی حدود ۳۲ درصد بوده است. همچنین این میزان در کشورهای اتریش، بلژیک، ایتالیا، سوئد و هلند حدود ۳۰ درصد است. برخلاف این روند، در کشورهایی همچون رومانی، لتونی و لیتوانی، سهم حمایت اجتماعی از تولید ناخالص داخلی رقمی کم‌تر از ۲۰ درصد را نشان می‌دهد؛ یعنی چیزی در حدود ۱۵ درصد. این شاخص برای ایرلند ۱۶ درصد، برای مالت و استونی ۱۷ درصد، برای بلغارستان و اسلواکی ۱۸ درصد و در نهایت برای چک، قبرس و مجارستان حدود ۱۹ درصد است.^۱

همچنین در سال ۲۰۱۶ میزان سرانه مخارج حمایت اجتماعی در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا متفاوت است. برای نمونه میزان حمایت اجتماعی با عنوان استانداردهای قدرت خرید که سطح قیمت‌ها را برای مردم کاهش

1. <http://yon.ir/nsFCr>

می‌دهد (برای مثال انواع یارانه‌ها) در بین کشورهای اتحادیه اروپا متفاوت است. این نشانگر اختلاف سیاست‌های حمایتی در بین کشورهای حوزه یورو است. پس از کشور لوکزامبورگ که بالاترین میزان سرانه حمایت اجتماعی را دارد به ترتیب کشورهای اتریش، آلمان، دانمارک، هلند و فرانسه قرار دارند، در حالی که کم‌ترین میزان سرانه حمایت اجتماعی در رومانی، بلغارستان و لتونی دیده می‌شود.

طبق این گزارش، بر اساس شاخصی دیگر، بیش‌ترین سهم مزایای سالمندان و بازماندگان در بین کل کشورهای اتحادیه اروپا، متعلق به کشورهای یونان، پرتغال و ایتالیا است. در سال ۲۰۱۶ به‌طور متوسط در کل اتحادیه اروپا مزایای سالمندان و بازماندگان حدود ۴۶ درصد از کل مزایای اجتماعی را به خود اختصاص داده است. تقریباً در بین همه کشورهای اتحادیه اروپا مزایای سالمندان و بازنشستگان مهم‌ترین بخش از مزایای حمایت اجتماعی هستند. در مجموع بالاترین سهم مزایای سالمندان و بازماندگان به ترتیب برای یونان (۶۵ درصد)، پرتغال و ایتالیا (۵۸ درصد) و قبرس و لهستان (۵۶ درصد) بوده است. در حالی که کم‌ترین میزان این شاخص متعلق به کشور ایرلند (۳۴ درصد) سپس آلمان (۳۹ درصد)، لوکزامبورگ (۴۰ درصد)، استونی و بریتانیا (۴۲ درصد) بوده است.

میزان مزایای از کارافتادگی، مراقبت‌های بیماری و سلامت نیز به‌طور متوسط حدود ۳۷ درصد از کل مزایای اجتماعی را در کل کشورهای اتحادیه اروپا شامل می‌شود. در میان کشورهای عضو حوزه یورو، سهم این مزایا از ۲۳ درصد برای قبرس تا ۲۶ درصد برای یونان، ۴۴ درصد برای کرواسی، ۴۳ درصد برای آلمان و ایرلند، ۴۲ درصد برای هلند و در نهایت ۴۱ درصد برای اسلواکی، استونی و لیتوانی متغیر است.

مطابق این گزارش، میزان مزایای کودک و خانواده نیز در سال ۲۰۱۶ به‌طور میانگین اندکی کم‌تر از ۹ درصد کل مزایای اجتماعی در کل کشورهای اتحادیه اروپا تخمین زده شده است. مزایای بیمه بیکاری تقریباً ۵ درصد، مزایای مسکن و محرومیت اجتماعی نیز حدود ۴ درصد ارزیابی شده است. لازم است بدانیم که سهم مزایای خانواده در مجموع از ۴ درصد در یونان و هلند تا بیش از ۱۵

درصد در لوکزامبورگ در نوسان بوده است. مزایای بیمه بیکاری نیز در این کشورها، از یک درصد در رومانی و لهستان تا ۱۰ درصد در ایرلند متفاوت است. مزایای مسکن و محرومیت اجتماعی نیز از یک درصد در کشورهای لهستان، یونان و پرتغال تا ۸ درصد در قبرس و در نهایت ۷ درصد در دانمارک و بریتانیا متفاوت بوده است.

تظاهرات کارگران بازنشسته در اسپانیا

در اواسط ماه دسامبر، هزاران نفر از بازنشستگان و کارگران در شهرهای مختلف اسپانیا با هدف و مطالبه برقراری مستمری شایسته و مکفی دست به تظاهرات زدند. آن‌ها خواهان حداقل مستمری ۱۰۸۰ یورو برای هر ماه بودند. همچنین می‌خواستند این میزان مستمری متناسب با شاخص قیمت مصرف‌کننده^۱ (CPI) در هر سال تغییر و افزایش یابد.

تظاهرات مستمری‌بگیران، نخست در ژانویه سال ۲۰۱۸ در شهر بلبائو که پایتخت ناحیه باسک است، به شکل یک تظاهرات هفتگی شروع شد. به‌مرور زمان این تظاهرات به بیش از ۲۰۰ شهر و شهرک در اسپانیا گسترش یافت و از سوی جنبش‌های اجتماعی دیگر نیز مورد حمایت قرار گرفت. تظاهرات اخیر توسط مسئول هماهنگی ایالتی برای دفاع از نظام مستمری عمومی سازمان‌دهی شد. شعارهای معترضین از این قرار بود: «هر کسی که حکومت کند، باید مدافع مستمری‌ها باشد» و «برای نجات آینده ما، راهی جز سازمان‌دهی نیست»

در تظاهرات روز شنبه پانزدهم دسامبر در بلبائو بیش از ۲۵ هزار نفر حضور داشتند. جمعیتی مشابه نیز در مادرید گردهم آمده بودند و این شعارها را سر می‌دادند: «ما پیر هستیم، نه احمق»، «مستمری شایسته، همین حالا» برخی از تظاهرکنندگان نیز به تقلید و در همبستگی با معترضان فرانسوی، جلیقه‌های زرد پوشیده بودند.

در شهر بلبائو، این تظاهرات مورد حمایت اتحادیه‌ها و نهادهایی نظیر اتحادیه

۱. شاخصی است که تغییرات در سطح قیمت سبد کالاهای مصرفی و خدمات خریداری شده توسط خانوارها را نشان می‌دهد و هر سال بر اساس این قیمت پایه تغییر می‌کند.

همبستگی کارگران باسک (ELA) کمیته کارگران ملی گرا (LAB) و کمیسیون کارگران اوسکادی (CCOO) قرار داشت.

مسئول هماهنگی این تظاهرات در یک سخنرانی عمومی برای آغاز تظاهرات عمومی در سراسر کشور، چنین قرائت کرد:



«ما صندوق‌های مستمری عمومی را با کار کردن خودمان، بر اساس حق بیمه و مشارکتمان ایجاد کرده‌ایم و اجازه نمی‌دهیم بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری از طریق برنامه‌های مستمری خصوصی، آن‌ها را از ما بدزدند.»^۱

در شهر مادرید، لئوپولدو پلایو سخنگوی ستاد هماهنگی این تظاهرات، اظهار کرد که احزاب سیاسی نخواهند توانست «مشکلات اساسی» کارگران بازنشسته را حل کنند. این کارگران خواستار مستمری‌های شایسته و مکفی هستند که باید بر اساس نرخ تورم افزایش یابد. همه ما منتقد نظام دو حزبی حاکم هستیم که در تسلط حزب مردم (PP) و حزب کارگران سوسیالیست (PSOE) است.

تظاهرات کارگران بازنشسته در اسپانیا مدت‌های مدید است که ادامه دارد. در ماه فوریه سال ۲۰۱۸ نیز این تظاهرکنندگان اعتراضات وسیعی را ترتیب دادند و علیه افزایش اندک و به قول خودشان «مسخره» مستمری‌ها به میزان ۲۵ صدم درصد، دست به اعتراض زدند.

نیاز روزافزون آفریقا به حمایت اجتماعی

در ماه دسامبر، نتایج «گزارش سالانه چشم‌انداز و روندهای سال ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸» منتشر شد. طبق این گزارش، فقر و سوءتغذیه همچنان در آفریقا جولان می‌دهد. مختصات کلی این گزارش به شرح زیر است:

به دلیل وخامت سطح معاش، به نظر می‌رسد آفریقا به یک دوران بسیار

1. <http://yon.ir/bf8k8>

طولانی از توسعه و رفاه نیاز دارد تا بخش‌هایی از مردم این قاره را از این صدمات و محرومیت‌ها نجات دهد. در واقع، به‌رغم کاهش میزان فقر، همچنان میزان فقر مطلق و افراد تهیدست در این قاره بسیار زیاد است. هرچقدر کشورهای در این قاره دموکراتیک‌تر شوند، به نظر می‌رسد شانس بیش‌تری وجود دارد که فقرا و اقشار فرودست- به‌خصوص در نواحی شهری- وزن سیاسی بیش‌تری بیابند و از این طریق نیاز به حمایت اجتماعی تبدیل به یک ضرورت برای مردم این قاره شود. چنین چیزی به دولت‌ها فشار بیش‌تری خواهد آورد تا در قبال ایجاد انسجام و ثبات اجتماعی مسئول باشند. حتی اگر رشد اقتصادی در کشورهای این قاره سریع و فراگیر باشد، بازهم اقدام دولت برای توزیع مزایای رشد و اثرگذاری آن بر زندگی و تأمین معاش مردم بسیار گسترده است. همچنین گروه‌هایی که در آمدشان کم‌وبیش افزایش می‌یابد همچنان در برابر شوک‌های اقتصادی و تغییرات اقلیمی بسیار آسیب‌پذیرند؛ بنابراین رشد اقتصادی به‌تنهایی برای کمک به بهبود زندگی مردم و رفع فقر و گرسنگی آفریقا کافی نیست. دولت‌ها در این قاره باید دو کار را به‌طور هم‌زمان انجام دهند. از یک‌سو باید منابعی را در جهت ایجاد رشد اقتصادی بیابند و از سوی دیگر و به‌طور هم‌زمان باید گسترش حمایت اجتماعی از فقرا و فرودستان را در دستور کار قرار دهند.

این گزارش توسط نهاد «نظام حمایت از دانش و تحلیل استراتژیک منطقه‌ای»^۱ و با حمایت موسسه تحقیقاتی بین‌المللی سیاست‌گذاری غذا (IFPRI) تهیه و تنظیم شده است و نگاهی عمیق‌تر و متمرکز بر وضع فعلی و آینده حمایت اجتماعی در کشورهای آفریقایی دارد. این گزارش چند موضوع اصلی را در مرکز تحلیل خود قرار داده است. نخست طراحی برنامه‌های موثر برای رفع نیازهای فزاینده به شبکه‌های تأمین اجتماعی در سراسر قاره. دوم هزینه‌ها، موفقیت و پایداری برنامه‌های موجود. سوم ایجاد چشم‌اندازی برای تداوم و سازگاری بدیل‌های مداخله‌گر بر اساس بستر خاص کشورهای مختلف. این گزارش همچنین میزان اثربخشی رویکردهای هدفمند بدیل را ارزیابی کرده است تا مناسب‌ترین آن‌ها را بر اساس این بسترها پیشنهاد دهد. شواهد این

1. RESAKSS

گزارش نشان می‌دهد که برقراری حمایت اجتماعی در این قاره می‌تواند روحیه همیاری و تعاون را در میان مردم این قاره گسترش دهد. به‌ویژه زمانی که این برنامه‌های حمایت اجتماعی با اجزایی فراگیرتر از ابعاد مالی همچون ایجاد سرمایه انسانی، توسعه مهارت‌ها و مولد بودن همراه شود، می‌تواند به توسعه اقتصادی و اجتماعی این قاره یاری برساند و مردم این قاره را در برابر شوک‌های بیرونی و جهانی مقاوم کند. در ضمیمه گزارش حاضر تحقیقی ارائه شده‌است که نشان می‌دهد چگونه کشورها می‌توانند برنامه‌های حمایت اجتماعی را با برنامه‌های توسعه‌ای در دیگر بخش‌ها ترکیب کنند تا تأثیری کلی‌تر و فراگیرتر برجا گذارند. عثمان بدیانه، مدیر بخش آفریقای موسسه تحقیقاتی بین‌المللی سیاست‌گذاری غذا می‌گوید:



«کشورهای آفریقایی باید موضوع حمایت اجتماعی را به شکل جدی‌تری در دستور کار قرار دهند و این گزارش نشان می‌دهد که انتخاب‌ها و ابزارهای فراوانی برای برقراری حمایت اجتماعی در سرتاسر قاره وجود دارد. این روش‌های هدفمند و موثر برای برنامه‌های حمایت اجتماعی باید با بستر محلی منطبق باشند.»^۱

این گزارش در پایان می‌افزاید که وضع فعلی حمایت اجتماعی در آفریقا از چشم‌انداز مدنظر اعلامیه مالابو و برنامه اتحادیه آفریقا برای سال ۲۰۶۳ فاصله زیادی دارد و همه کشورهای آفریقایی برای رفع این فاصله باید بکوشند.

1. <http://yon.ir/EOMvd>



مکزیکِ آملو: دولتی برای رفاه و تأمین اجتماعی

در دسامبر سال ۲۰۱۸، سرانجام در مکزیک مراسم تحلیف آندرس مانوئل لوپز اوبرادور^۱ ملقب به آملو (AMLO) برگزار شد. او سوگند ریاست جمهوری را ادا کرد و به‌طور رسمی در مقام رئیس‌جمهور مکزیک مشغول به کار شد. انتخاب او توسط مردم مکزیک در انتخابات یکم جولای و با بیش از سی میلیون رای صورت گرفت. این انتخاب و سپس شروع به کار رسمی او به‌عنوان مهم‌ترین اتفاق در قاره آمریکا و یکی از مهم‌ترین اتفاقات اقتصادی و سیاسی در سطح جهان در ماه دسامبر ارزیابی شده‌است. ما برای بررسی این موضوع، در ابتدا سعی خواهیم کرد تصویری از وضعیت اقتصادی و سیاسی مکزیک و شیوه مواجهه آملو با این مسائل را ارائه دهیم. سپس روی برنامه‌های خاص آملو برای حوزه رفاه و تأمین اجتماعی متمرکز خواهیم شد. در نهایت مقاله «چگونه نئولیبرالیسم مکزیک را نابود کرد»^۲ گزینش و ترجمه شده‌است که تصویری تاریخی‌تر و ساختاری‌تر از وضعیت اقتصادی و رفاهی مکزیک در چند دهه اخیر را به ما ارائه می‌دهد.

یک دولت رفاهی در میان راست‌ها

امروز در فضای کلی قاره آمریکا و در بیش‌تر کشورهای این منطقه، دولت‌های پوپولیست راست‌گرا و حتی شبه‌فاشیست بر سریر قدرت‌اند. برای نمونه در شمال این قاره، دولت راست‌گرای افراطی دونالد ترامپ در آمریکا، در جنوب این قاره دولت شبه‌فاشیستی ژایر بولسونارو در برزیل و در نهایت دولت راست‌گرای مائوریسیو ماکری در آرژانتین بر سر کارند. از این جهت پیروزی لوپز اوبرادور یا همان آملو را که سوابق مشخصی در جهت حمایت از کارگران و سنت‌های سوسیالیستی

1. Andrés Manuel López Obrador

مکزیک دارد، می‌توان به‌منزلهٔ امکان گشایش مسیری متفاوت و یک الگوی تازه نه‌تنها برای مردم مکزیک بلکه برای بهبود وضع رفاهی کل مردم این منطقه درک کرد، به‌خصوص به‌منزلهٔ یک الگو برای ایالات متحده، کانادا، برزیل و آرژانتین.

در این انتخابات، آملو اکثریت مجلس سنا و نیز اکثریت مجلس نمایندگان مکزیک را به‌عنوان دو بخش از کنگره این کشور در اختیار گرفت که دست او را برای قانون‌گذاری و اجرای سیاست‌هایش بازتر می‌کند. مهم‌تر از این‌ها، آملوی ۶۴ ساله توانست دور باطل سیاست را در مکزیک که برای سال‌ها یعنی از دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط الیگارشی نئولیبرال حاکم بر این کشور به یک خیمه‌شب‌بازی بدل شده بود، در هم بشکند. او در انتخابات اخیر، از بین ۳۲ ایالت در ۳۱ ایالت پیروز شد و سرجمع ۵۳ درصد از آرای کل را به خود اختصاص داد. به‌رغم وجود سنت مبارزان زاپاتیستا در مبارزات کارگران و دهقانان، ائتلاف جدید چپ‌گرایانه‌ای که آملو و حزبش در چهار سال اخیر به راه انداخته بودند، در تاریخ مکزیک، تجربه‌ای کم‌نظیر است. این در حالی است که او دو بار در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۲ برای ریاست جمهوری نامزد شده و هر دو بار شکست خورده بود اما ماجرای انتخابات سال ۲۰۱۸ تا حد زیادی متفاوت بود. برای شرکت در انتخابات اخیر بسیاری از احزاب کوچک چپ نیز با او متحد شدند و با یکدیگر یک ائتلاف انتخاباتی گسترده را تحت عنوان «ما باهم تاریخ را خلق می‌کنیم»^۱ تشکیل دادند.^۲ رئیس‌جمهور سابق مکزیک انریکه پنا‌نیئو^۳ بود که مردم به دلیل افزایش نابرابری، گسترش فساد، جولان جرم، جنایت و خشونت به‌شدت از سیاست‌های او ناراضی بودند. به دلیل همین ناراضی‌های فزاینده، حزب مورد حمایت نیتا و کاندیدای جدید این حزب برای انتخابات ریاست جمهوری مکزیک یعنی خوزه آنتونیو میده^۴ فقط حدود ۱۶ درصد از کل آرای مردم را به دست آورد. لازم است بدانیم که رئیس‌جمهور سابق یعنی نیتو، نماینده یک حزب بسیار قدیمی و پر

1. Juntos Haremos Historia

2. <http://yon.ir/iYcYF>

3. Enrique Peña Nieto

4. José Antonio Meade

سابقه در مکزیک به نام «حزب انقلابی نهادی»^۱ (PRI) بود که در ۸۸ سال گذشته به‌غیر از یک دوره ۱۲ ساله، ریاست جمهوری و قدرت را به شکل انحصاری در مکزیک در دست داشته است. این حزب ماهیتی چندرنگه، پیچیده و شبه‌فاشیستی دارد. اگرچه از دل انقلاب مکزیک و با نام اولیه «حزب انقلابی ملی» بیرون آمد اما بعدها ایده‌های اولیه و حتی نام خود را در دهه ۱۹۴۰ تغییر داد. ایدئولوژی کنونی این حزب، ترکیبی و التقاطی است و آموزه‌های مبهمی را از ایده‌های فاشیسم موسولینی ایتالیا گرفته تا نئولیبرالیسم وحشیانه امروزی در هم آمیخته است. با این حال این حزب در طول دهه‌های گذشته در مکزیک هژمونی داشت و برای دهه‌ها با اجرای بی‌رحمانه سیاست خصوصی‌سازی به تعمیق و گسترش فقر، سقوط قدرت خرید مردم، نابرابری فزاینده و فساد حاکمان در این کشور دامن زده بود؛ اما آملو با حزبش یعنی حزب مورنا^۲ که به‌وضوح یک حزب چپ‌گرا، در خدمت فقرا و حقوق اجتماعی کارگران است توانست جریان غالب مسلط بر سیاست مکزیک در نزدیک به یک قرن اخیر را تغییر دهد. ساختار حزب مورنا به‌گونه‌ای است که نسبت به مشارکت طبقات، مذاهب و نیز گروه‌های متکثر اجتماعی، فضایی باز و گشوده دارد و درست همین موضوع، در برقراری یک ائتلاف سیاسی فراگیر برای پیروزی آملو در انتخابات، بسیار اثرگذار بود. همچنین لازم است بدانیم که آملو و حزب او در انتخابات اخیر، بیش‌ترین رای ریاست جمهوری را در تاریخ مکزیک به دست آوردند و به‌طور هم‌زمان، حزب مخالف او کم‌ترین رای را در تاریخ نزدیک به یک‌صد ساله‌اش در انتخابات اخیر از مردم گرفت. آملو همچنین نخستین رئیس‌جمهور برخاسته از طبقه کارگر در یک قرن اخیر تاریخ مکزیک است. به دلیل همین خاستگاه، او از حمایت شدید جوانان، زنان، کارگران و دانشجویان و طبقات فرودست جامعه مکزیک برخوردار است. از همان روز آغاز، مردمی که در جشن پیروزی او در میدان زوکالو^۳ شهر مکزیکوسیتی جمع شده بودند، شعارهایی علیه خصوصی‌سازی، در حمایت از تقاضاهای کارگران از قبیل افزایش دستمزد، خدمات بهداشت و درمان، آموزش و مسکن

1. Partido Revolucionario Institucional
2. Morena party
3. Zócalo

رایگان سر دادند. پیش‌ازین آملو متنی را از خود منتشر کرده بود که در آن به‌صراحت گفته بود «خصوصی‌سازی، دزدی است.»^۱ این بار نیز آملو در پاسخ به شعارهای طرفدارانش گفت که عصر نئولیبرال طولانی و سیاه این کشور به پایان رسیده و دوران «دگرگونی چهارم» در تاریخ این کشور آغاز شده‌است. از نظر آملو، دگرگونی نخست در سال ۱۸۱۰ با استقلال مکزیک، دگرگونی دوم در سال ۱۸۵۵ با اجرای اصلاحات توسط دولت بنیتو خوارز^۲ و دگرگونی سوم همان انقلاب مکزیک در سال ۱۹۱۰ است.^۳ به نظر آملو و هوادارانش، پیروزی او در مقام نماینده کارگران و مردم عادی، شروع یک دوره جدید در تاریخ مدرن این کشور و مبارزات مردم آن برای آزادی و برابری است.

پیش‌ازاین پیروزی، رسانه‌های دست راستی در جهان با تشبیه سیاست‌های رفاهی و اقتصادی آملو به دونالد ترامپ در آمریکا یا نیکلاس مادورو در ونزوئلا، سعی در ایجاد هول، وحشت و هراس بین مردم مکزیک از امکان پیروزی آملو داشتند اما برخلاف این مقایسه‌های تبلیغاتی، آملو هرگز هیچ ارتباطی با نیروهای نظامی نداشته و تمام سابقه او در دهه‌های اخیر وقف سیاست دموکراتیک، دفاع از حقوق کارگران و حق زندگی انسانی فقرا در مکزیک شده‌است. به همین دلیل می‌توان گفت که او هیچ تشابهی با دونالد ترامپ و حتی مادورو در ونزوئلا ندارد. آملو در یک خانواده فقیر متولد و بزرگ شده‌است. پدر آملو یک مغازه‌دار کوچک بود. آملو فعالیت سیاسی اولیه خود را در دفاع از حقوق ارضی فقرا بومی یک منطقه حاشیه‌ای در مکزیک به نام تبسکو^۴ شروع کرد. سپس او به منتقد همیشگی و مصمم نخبگان مکزیک یا به بیان خود او «مافیای مکزیک» تبدیل شد. مافیایی سیاسی که طی چند دهه اخیر در این کشور عوایدی جز فساد روزافزون اقتصادی و نیز خشونت افسارگسیخته برای مردم دربر نداشته است. او زندگی بسیار ساده‌ای دارد، خودرویی غیر نو و پنج‌ساله سوار می‌شود و قول داده است حقوق رئیس‌جمهوری را بیش از نصف کاهش دهد. رئیس‌جمهور سابق یعنی نیتو

1. <http://yon.ir/vP0gW>

2. Benito Juárez

3. <http://yon.ir/14oRm>

4. Tabasco

بالغ بر ۲۷۰ هزار پزو دریافت می‌کرد و آملو در یکی از اولین تصمیمات، این مبلغ را به حدود ۱۰۸ هزار پزو کاهش داده است. ضمناً در کابینه او، هیچ عضو دولتی نباید بیش از این مقدار حقوق بگیرد.^۱ همچنین گفته است که می‌خواهد هواپیمایی مخصوص ریاست جمهوری را بفروشد. برخلاف ترامپ او یک رئیس‌جمهور عمل‌گرا، بسیار دقیق و باهوش است. او قبلاً بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ شهردار مکزیکوسیتی بوده است و در این سال‌ها به خوبی و شایستگی این شهر را اداره کرد. در دوران شهرداری، او برنامه‌هایی متمرکز از قبیل برقراری مساعدت و حمایت اجتماعی برای فقرای شهری و نیز طرح‌های موثری برای کاهش ترافیک و حمل‌ونقل درون‌شهری اجرا کرد. او در این مدت بیش از ۸۵ درصد آرای مردم این شهر را در پشت سر خود داشت. یکی از وجوه خاص دیگر آملو، توجه به سیاست‌های زنان است. کابینه او برای ریاست جمهوری، به گونه‌ای است که برای اولین بار اکثر آن‌ها را زنان تشکیل می‌دهند. او یک سیاستمدار متین و آزادی‌خواه است به طوری که پس از پیروزی در انتخابات، با رهبران اقتصادی و تجاری مکزیک که بیش‌ترین حجم ناسزا، تخریب و تبلیغات منفی را علیه وی در انتخابات به کار برده بودند، دیدار کرد و آن‌ها را به پذیرش دموکراسی و تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی مردم این کشور دعوت و ترغیب کرد. در واقع برآمدن ترامپ در آمریکا از یک‌سو و آملو در مکزیک از سوی دیگر حاصل یک زمینه اقتصادی و سیاسی نسبتاً مشابه است اما با دو پاسخ متفاوت، یکی ظهور راست افراطی پوپولیست در آمریکا و دیگری ظهور چپ مبتنی بر سنت مقاومت ملی کارگران و مردم عادی در مکزیک. با این حال هر دو این پاسخ‌ها، واکنشی است به ناامنی، نابرابری و فساد گسترده جهانی‌سازی ناشی از شرکت‌های بزرگ چندملیتی، یکی واکنشی روبه‌جلو و دیگری، واکنشی رو به عقب.

پیش‌زمینه تاریخی و اقتصادی

در تقابل با سنت مهاجر ستیز و بیگانه هراس دونالد ترامپ که خودش از نیروی کار ارزان و فاقد حقوق اجتماعی مهاجران در شرکت‌ها و مستغلاتش بهره‌مند است، آملو از درون یک سنت مبارزه طولانی و دموکراتیک ملی بیرون

1. <http://yon.ir/a0KQU>

می‌آید که برای سال‌ها خواستار نظارت دموکراتیک بر توسعه اقتصادی و اجتماعی این کشور بوده است.

پس از انقلاب مکزیک در سال ۱۹۱۰ این کشور حدود ۲۰ سال درگیر جنگ داخلی طولانی و خسارت‌باری شد که از درون آن یک سیستم خودکامه تک‌حزبی بیرون آمد. این سیستم خصایص پیچیده‌ای داشت: استبدادی، درون‌گرا، سوسیالیست میانه و به‌طور آگاهانه از ایالات متحده فاصله‌گیر بود. این دستگاه سیاسی در طول بیش‌تر از یک قرن گذشته در مکزیک حاکم بود. این سیستم به‌رغم معایب سیاسی، توانسته بود صلح، رشد اقتصادی پایدار و کاهش نسبی نابرابری را برای مردم مکزیک به ارمغان بیاورد؛ اما در دهه ۱۹۸۰ حباب قیمت‌های انرژی در سطح بین‌المللی ترکید. در نتیجه اقتصاد مبتنی بر صادرات نفت این کشور، در بحران اقتصادی عمیقی فرو رفت. در آن عصر که دوران سلطه بنیادگرایی بازار آزاد رونالد ریگان و مارگارت تاچر بر سراسر جهان و قاره آمریکا بود، سیاستمداران جدیدی نیز در مکزیک ظهور کردند که به متحدان منافع شرکت‌های تجاری آمریکایی تبدیل شدند و درهای کشور مکزیک را به روی اقتصاد جهانی گشودند. تسلط این سیاست در کل منطقه آمریکای شمالی منجر به ظهور موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی موسوم به نفتا (NAFTA) با شرکت آمریکا، کانادا و مکزیک شد. این توافق به‌نوبه خود منجر به پیدایش مدلی برای مقررات‌زدایی جهانی از تجارت و سرمایه‌گذاری شد که طی دو دهه بعد، کل جهان را درنوردید. نفتا بیش از هر چیز به بخشی از استراتژی وال‌استریت برای کاهش قدرت چانه‌زنی نیروی کار در کل این منطقه و نیز برای کاهش برخورداری کارگران این منطقه از نظام‌های تأمین اجتماعی و حمایت اجتماعی تبدیل شد. این معاهده در وعده خود برای کاهش ورود مهاجران مکزیکی به آمریکا شکست خورد. حتی ایالات متحده به وعده اولیه خود مبنی بر عدم ورود کالاهای چینی و نیز سرمایه‌گذاری در کشورهای این منطقه به‌جای چین عمل نکرد. در نتیجه با پیدایش نفتا، رشد اقتصادی مکزیک نزول کرد، نابرابری در این کشور افزایش یافت و در نهایت، تأمین اجتماعی و رفاه کارگران به‌شدت ضربه خورد. در واقع پیمان نفتا توافقی در جهت منافع قدرتمندان و ثروتمندان این سه کشور بود و بیش‌ازپیش، مردم عادی این سه کشور را به‌طور موثری در معرض محرومیت و فقر بیش‌تر

قرار داد. با مقررات‌زدایی از جریان پول و تولید کالا، تجارت خرد و کوچک مواد (برای مثال ماریجوانا) به یک صنعت بزرگ و مافیایی قاچاق مجرمانه تبدیل شد؛ به طوری که این صنعت قاچاق بزرگ هم‌اکنون کوکائین و هروئین را از منطقه آمریکای جنوبی و نیز مواد مخدر ترکیبی را از مناطق دور به این منطقه و ایالات متحده سرازیر می‌کند. تحت تاثیر این شبکه، قاچاق، زورگیری، دزدی، آدم‌ربایی و جنایت به شکل سازمان‌یافته در این منطقه و به خصوص در مکزیک گسترش یافت. پول مواد به دادگاه، پلیس و ارتش نیز رخنه کرد، به طوری که تنها ۷ درصد از جرائم این منطقه آن‌هم عمدتاً به خاطر ترس از پلیس گزارش و علنی می‌شوند.^۱ از میان جرائم گزارش شده نیز کم‌تر از ۵ درصد آن‌ها به نتیجه می‌رسد. فقط طی انتخابات اخیر حدود ۱۴۵ نامزد و فعال سیاسی ترور شدند. در سال ۲۰۱۷ میزان قتل و کشتار در این کشور به بالاترین میزان در ۲۰ سال اخیر خود رسید. همچنین به دلیل شرایط بی‌ثبات اقتصادی و سیاسی، میزان مهاجرت مردم این کشور به آمریکا از دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۳ به حدود سه برابر رسید، به طوری که در انتخابات اخیر آمریکا دونالد ترامپ وعده داد که دیواری را در مرز این دو کشور برای جلوگیری از ورود مکزیکی‌ها خواهد کشید. هر چند این دیوار هنوز کشیده نشده‌است اما فقط در هفت ماه نخست سال ۲۰۱۸ حدود ۱۴۰ هزار نفر در مرز این دو کشور توقیف و به مکزیک بازگردانده شدند.

برنامه آملو: مبارزه با نابرابری

در چنین بستری از فساد، نابرابری، خشونت و مهاجرت فزاینده است که آملو در مکزیک به ریاست جمهوری برگزیده شد. لوپز اوبرادور به دلیل گسترش فقر و نابرابری در مکزیک با مرکزیت نفتا، از مدت‌ها قبل گفته بود که چندان روی خوشی نسبت به موجودیت فعلی نفتا ندارد و معتقد است که این سازمان برای تضعیف استقلال کشورهای این منطقه و هضم بیش‌تر آن‌ها درون استیلای سیاسی و اقتصادی آمریکا طراحی شده‌است. با این حال او معتقد است اصل این سازمان می‌تواند حفظ شود اما باید بر بنیانی دموکراتیک برقرار شود و در خدمت مردم عادی این منطقه قرار گیرد. واقعیت این است که

1. <http://yon.ir/r0dFV>

با گذشت ۲۴ سال از تاسیس نفتا، اقتصاد مکزیک به همسایه بزرگ‌تر یعنی ایالات متحده شدیداً وابسته شده‌است. برای نمونه مکزیک شدیداً به واردات مواد غذایی اساسی و گازوئیل از آمریکا وابسته است. همچنین هشتاد درصد صادرات مکزیک به آمریکا انجام می‌شود. به همین خاطر است که آملو به‌رغم مخالفت با نفتا، جانب احتیاط را هم رعایت می‌کرد چراکه به‌خوبی آگاه است هرگونه خروج فوری از این معاهده به معنای فرورفتن اقتصاد این کشور در رکودی است که خروج از آن ممکن است سال‌ها طول بکشد و از این مهم‌تر، برنامه‌های او را برای برقراری نظام رفاهی برابر و دموکراتیک در داخل کشور، تحت تأثیر قرار دهد. باوجود این دلایل، آملو محور اصلی سیاست خارجی خود را حساسیت روی نحوهٔ برخورد ایالات متحده با مهاجران فاقد مدرک قرار داد و در سیاست داخلی، روی نحوهٔ بازتوزیع درآمد و ثروت تأکید گذاشت؛ چراکه به گفتهٔ وی، همین بازتوزیع ناعادلانه است که منجر به خروج کارگران و مردم مکزیک از این کشور برای یافتن شغل در آمریکا می‌شود. به نظر او اولویت نباید تسهیل خروج مردم از مکزیک باشد بلکه باید تسهیل ماندن مردم و جوانان در این کشور در راس کار قرار گیرد. برای نیل به این هدف، آملو برنامه اقتصادی و رفاهی جاه‌طلبانه‌ای را در چهارچوب دموکراسی اجتماعی یا سوسیالیستی در نظر گرفته است که معطوف به چرخش و بازگشت از سیاست‌های شکست خورده چهار دهه اخیر اقتصاد این کشور است. به همین خاطر بود که او بلافاصله پس از انتخاب شدن، اعلام کرد که دوران نئولیبرالیسم در این کشور به پایان رسیده است و باید رژیم جدیدی را در این کشور برقرار کرد. او در سخنرانی تحلیف خود گفت:



«سیاست‌های اقتصادی نئولیبرال یک فاجعه است. اگر از من بخواهید در یک

عبارت برنامه دولت‌م را بیان کنم، خواهم گفت: نابودی فساد و هرج‌ومرج ... ما

می‌توانیم همه باهم این رژیم نئولیبرال را نابود کنیم.»

تأکید آملو روی فساد از این جهت است که اقتصاد مکزیک هم‌اکنون به لحاظ شاخص فساد در جهان در بین ۱۷۵ کشور، رتبه ۱۳۵ را در اختیار دارد.

اما به‌طور مشخص برنامه آملو برای مقابله با فساد نئولیبرال حاکم بر این کشور شامل سه سرفصل اصلی زیر است:

- افزایش مخارج اجتماعی و رفاه عمومی به‌خصوص در زمینه آموزش، مستمری‌های رفاهی برای سالمندان و تأمین اجتماعی برای فرودستان.
- سرمایه‌گذاری برای ایجاد اشتغال توسط دولت (نه توسط بخش خصوصی) به‌ویژه برای مردم فقیر جنوب کشور در زمینه آب، انرژی و توسعه صنایع جدید.
- افزایش درآمد افراد از طریق بالا بردن حداقل دستمزد و اصلاح اتحادیه‌های کارگری فاسد و حکومتی.

لازم است بدانیم که چنین برنامه‌ای برای نخستین بار است که در چهل سال اخیر در دستور کار یک رئیس دولت در مکزیک قرار می‌گیرد. به‌طور مشخص در قسمت نخست، او قول داده است در بخش آموزش، خصوصی‌سازی آموزش و بهداشت حاکم در دوران نیتو تحت عنوان «اصلاح نظام آموزشی» را متوقف خواهد کرد. در عوض، آملو می‌خواهد آموزش عالی برای دانشجویان و نیز تحصیلات اولیه را برای دانش‌آموزان، تقریباً به‌طور کامل رایگان کند. همچنین اتحادیه‌های کارگری واقعی را برای معلمان و کارگران آموزشی تقویت خواهد کرد. او وعده داده است که مزایای رفاهی و تأمین اجتماعی را نه تنها برای کارگران دائمی و رسمی بلکه برای کارگران موقت برقرار خواهد کرد و برای نخستین بار به وضعیت بی‌ثباتی شغلی این کارگران پایان خواهد داد. همچنین طبق این برنامه بعد از دهه‌ها، برنامه‌های غذایی و نیز برنامه‌های ورزشی برای کودکان در مدارس مناطق فقیرنشین توسط دولت افزایش خواهد یافت.^۱ در کنار این‌ها، آملو طرحی ریخته است که بیش از ۱۰۰ دانشگاه دولتی تاسیس کند و هم‌زمان به دانشجویان بورسیه تحصیلی تخصیص دهد. دولت او میزان مستمری سالمندان و بازنشستگان را افزایش خواهد داد. خدمات بهداشتی رایگان را بیش‌تر خواهد کرد، نظام بهداشتی دولتی و متمرکز را به شکل فدرال تحت عنوان «برنامه نظام سلامت فدرال» بنا خواهد گذاشت

1. <http://yon.ir/3tumw>

و مزایای رفاهی کارگران و پرستاران بخش سلامت را نیز بهبود خواهد بخشید. او گفته است که الگوی او در حوزه بهداشت، کشورهای حوزه نوردیک یا کشوری همچون دانمارک یا کانادا خواهد بود.^۱ او سوگند خورده است که قیمت سوخت، گازوئیل و برق را هرگز افزایش نخواهد داد. اینترنت عمومی و رایگان را نیز وسعت خواهد بخشید و هر تصمیم دولت را با مشورت و کسب نظر از عموم مردم اجرا خواهد کرد. حقوق ثروتمندان و مقامات دولتی را کاهش خواهد داد و هیچ مالیات جدیدی علیه مردم عادی و کارمندان وضع نخواهد کرد.

او در بخش سرمایه‌گذاری نیز برای ایجاد اشتغال گفته است از اشتغال در صنعت و بخش کشاورزی توسط دولت حمایت خواهد کرد و با سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز اشتغال در این حوزه را بیش‌تر خواهد کرد. آملو همچنین چندین مگا پروژه صنعتی و خدماتی در بخش راه آهن و حمل‌ونقل تعریف کرده است که اشتغال وسیعی را برای مردم به بار خواهد آورد. مضاف بر این‌ها، آملو یک بودجه عظیم یعنی در حدود ۳۲۵ میلیارد پزو برای رفع فقر و ایجاد برنامه‌های رفاهی در ایالت‌های فقیر مکزیک در نظر گرفته است.^۲ هدف دولت رفاه‌گرای آملو از اختصاص این بودجه از بین بردن بینوایی، نابرابری و نیز کاهش نرخ فقر، اعلام شده است. همچنین آملو اعلام کرده است که با همکاری چند وزارتخانه از قبیل رفاه اجتماعی، بهداشت، کار و کشاورزی نزدیک به هشت برنامه رفاه اجتماعی در ۹۱ نقطه شهری اجرا خواهد شد و مزایای آن زندگی بیش از ۲ میلیون نفر از مردم را تحت تاثیر قرار خواهد داد.^۳

در بخش سوم برنامه او یعنی حداقل دستمزد، آملو در همان روزهای اولیه انتخاب، وعده داده است که به میزان ۱۶ درصد حداقل دستمزد کارگران را افزایش خواهد داد که بیش‌ترین میزان افزایش در ۲۳ سال اخیر است.^۴ طبق این طرح، دستمزد روزانه کارگران در مکزیک از حدود ۸۸ پزو (۴ دلار آمریکا) به ۱۰۲ پزو (حدود ۵ دلار آمریکا) در یک ژانویه ۲۰۱۹ افزایش خواهد

1. <http://yon.ir/Lhn0z>

2. <http://yon.ir/tGj47>

3. <http://yon.ir/9ltu4>

4. <http://yon.ir/0Cdck>

یافت. این افزایش دستمزد موجب افزایش ورودی نهادهای بیمه اجتماعی و بخش رفاهی از جمله سازمان تأمین اجتماعی مکزیک خواهد شد. لازم است بدانیم که در پی سرکوب دستمزدهای کارگران مکزیک در سه دهه گذشته، میزان قدرت خرید آنها بیش از ۷۰ درصد کاهش یافته بود. حداقل دستمزد جدید برای کارگران، بالای خط فقر و متناسب با نرخ تورم در مکزیک است و میلیون‌ها کارگر را از فقر نجات خواهد داد. همچنین آملو پیشنهاد داده است که دستمزد کارگران مکزیکی در مرزهای شمالی این کشور یا همان مرزهای جنوبی ایالات متحده، به دو برابر افزایش یابد چراکه از اواسط دهه ۱۹۹۰ بسیاری از شرکت‌های بین‌المللی با اعمال سیاست‌های تجاری حوزه نفتا، دستمزد کارگران این مناطق را در پایین‌ترین حد ممکن نگه داشته‌اند. آملو برای اجرای این سیاست‌های جدید دستمزدی، قبل از هر چیز، باسیلیو گونزالز نونز^۱ رئیس کمیسیون ملی حداقل دستمزد را که مدت ۲۷ سال بر این پست تکیه زده بود، تغییر داد و او را با آندرس پنالوزا مندز^۲ جایگزین کرد. در مجموع و طبق برآوردهای «مرکز تحقیقات بودجه‌ای و اقتصادی»^۳ میزان بودجه‌ای که دولت آملو برای بخش رفاه و تأمین اجتماعی در مکزیک در نظر گرفته، چیزی حدود ۷۰۰ میلیون پزو است. این بودجه به‌طور مشخص به قسمت‌هایی از قبیل مستمری‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، تأمین اجتماعی، آموزش، بهداشت و دیگر مخارج اجتماعی معطوف است.^۴ آملو گفته است که برای تأمین مالی این سیاست‌های رفاهی، برنامه مالیاتی سفت و سختی را علیه ثروتمندان و صاحبان درآمدهای بسیار بالا به کار خواهد بست. این موضوع امید اجتماعی و سیاسی بسیاری را در میان توده مردم مکزیک برانگیخته است.

مجموع این سه سیاست، بخش اصلی برنامه «دگرگونی چهارم» است که آملو به مردم وعده داده است. او تأکید کرده است که به امید میلیونی مردم به تغییر و دگرگونی چهارم هرگز خیانت نخواهد کرد. شعار او برگرفته از شعار معروف بنیتو خوارز در دوران دگرگونی دوم تاریخ این کشور است: «با مردم همه‌چیز، بی مردم

1. Basilio Gonzalez Nuñez

2. Andres Peñaloz Mendez

3. CIEP

4. <http://yon.ir/rbhd>

هیچ چیز» به طور مشخص برنامه او شامل وارونه سازی سیاست تعدیل ساختاری و اقتصاد ریاضتی حاکم بر یک دهه اخیر این کشور است. او برنامه‌ای را به عنوان «قانون ریاضت مدنظر مردم یا جمهوری» برگزیده است که طبق آن کل سیاست‌های تعدیل ساختاری و خصوصی سازی برعکس و وارونه خواهد شد؛ یعنی ریاضت بر جا می ماند، منتها این بار برای ثروتمندان و صاحبان درآمدهای بالا. این بیانگر سیاست آبرونیک و طعنه آمیز آملو در مقابل الیگارشلی اقتصادی و سیاسی این کشور است. برای مثال و طبق برنامه او، مستمری‌های ویژه روسای جمهوری سابق قطع خواهد شد و آن‌ها همچون کارگران و مردم عادی، صرفاً مستمری‌های معمولی بازنشستگی تأمین اجتماعی را دریافت خواهند کرد. حقوق و پاداش نمایندگان کنگره نیز نزدیک به ۲۸ درصد کاهش خواهد یافت. همچنین بادیگارد‌ها، رانندگان، نیروهای امنیتی و لایه‌های حفاظتی قدرتمندان و سیاستمداران نیز به نصف کاهش خواهد یافت.^۱ به بیان ساده‌تر، سیاست اصلی دولت آملو، ریاضت بیش‌تر برای ثروتمندان و رضایت، حمایت و رفاه بیش‌تر برای فرودستان و کارگران است. هم‌زمان با اعمال فشار بیش‌تر به صاحبان ثروت و قدرت، او می‌خواهد اصلاحات دیگری را نیز به سودبخش کارگری و تأمین اجتماعی آنان انجام دهد. مداخله دولت در صنایع، معادن، نفت و صنعت برق را افزایش دهد تا بتواند هم مانع افزایش قیمت‌ها شود و هم در این بخش‌ها اشتغال ایجاد کند. همچنین آملو قصد دارد بیش‌تر صنایع و حقوق اجتماعی را که در دهه‌های گذشته خصوصی شده‌اند، به دولت برگرداند و به تعبیر خودش، دست بخش خصوصی را که منبع فساد در اقتصاد این کشور است، از منابع ملی قطع کند. او در سخنرانی تحلیف خود گفت:



«خصوصی‌سازی معادل فساد است ... در خصوصی‌سازی، قدرت اقتصادی باعث می‌شود که قدرت سیاسی را نیز در اختیار بگیرند و این یک شیوه عملی برای سرقت اموال مردم است.»

او به همین خاطر دوران جدید را عصر نوین «نظام سیاسی ضد نئولیبرال» نامیده است.

1. <http://yon.ir/3wjvo>

هم‌زمان و در ادامه برنامه فوق، آملو قصد دارد که با خشونت گسترده و فساد فزاینده نیز به شکل سازمان‌یافته مبارزه کند. به همین هدف، دولت او می‌خواهد مبارزه با مواد مخدر را غیرنظامی و غیر پلیسی کند و حرکت یا جنبشی مدنی را برای مبارزه با مواد به شکل مدنی، حرفه‌ای و اصلاحی شکل دهد. این حرکت بدیع و نوآورانه است و مسلماً با مخالفت صاحبان منافع بزرگ بین‌المللی و داخلی شامل مافیای مواد در وال‌استریت، پنتاگون، دولت آمریکا و کنگره و نزدیکان آن‌ها در ارتش مکزیک و نیز نیروهای راست‌گرا در اقتصاد و سیاست مکزیک، روبرو خواهد شد. به‌هر حال اجرای چنین برنامه‌ای بسیار سخت است و نیاز به زمان و فضای کافی دارد؛ اما لویز ابرادور قدم‌هایش را در این راه محکم برداشته است. او برای اجرای برنامه رفاهی خود در جهت رفاه بیش‌تر کارگران، خانم لوئیسا ماریا آلکالده لوخان^۱ را به‌عنوان وزیر کار و تأمین اجتماعی (STPS) برگزیده است که فردی به‌شدت باهوش، فعال و متعهد به طبقه کارگر است و از شبکه‌ای از فعالان اجتماعی می‌آید که سال‌ها برای بهبود حقوق کارگران و پاک‌سازی اتحادیه‌ها از فساد و زدوبند، با قدرت تلاش کرده است. برای سال‌ها، تصور حضور چنین فردی در بین مقامات دولت‌های گذشته مکزیک به یک تخیل شبیه بود. او در همین ابتدای راه، قول داده است که برای کارگران و زنان مشغول به کار خانگی نیز حقوق اجتماعی مختص کارگران از جمله حق تأمین اجتماعی را در نظر بگیرد. درست بر همین اساس بود که آن‌ها در اواخر سال ۲۰۱۸ توانستند دیوان عالی مکزیک را وادار کنند که به بر خورداری زنان خانه‌دار و کارگران خانگی از حق تأمین اجتماعی، مزایای آن و الزام ثبت‌نام زنان و کارگران خانگی در سازمان تأمین اجتماعی مکزیک (IMSS) رای بدهد و این برنامه را از ابتدای سال ۲۰۱۹ به‌تدریج به اجرا بگذارد.^۲

1. Luisa María Alcalde Luján

2. <http://yon.ir/kp1et>



امید به برابری

در بستری از نابرابری فزاینده، کسری‌های مرتب تجاری و نیز کاهش فرصت‌ها برای بهبود وضعیت معیشتی اکثریت مردم و به‌خصوص کارگران دست‌کم طی سه دهه گذشته، اقتصاد مکزیک دچار رکود، فقر، بیکاری و نابرابری گسترده بود. به‌طور مثال، میزان دستمزدها و نیز حداقل استانداردهای زندگی و حق تأمین اجتماعی در این کشور رو به کاهش داشته است؛ اما هم‌اکنون با ظهور آملو امید سیاسی و اقتصادی جدیدی برای مردم مکزیک و کارگران این کشور ظهور کرده است که بتواند اقتصاد این کشور را از زیر مخروبه نئولیبرالیسم بیرون بکشد و بازسازی کند. برای این کار آملو نیازمند زمان است. ریاست جمهوری در مکزیک شش‌ساله است که زمان کمی نیست. آملو معتقد است که می‌توان با کشورهای دیگر منطقه آمریکای شمالی و مرکزی ارتباط اقتصادی داشت اما آنچه وضعیت اقتصادی و رفاهی مردم مکزیک را وخیم ساخته، مدل اقتصادی نئولیبرالی است که در داخل این کشور در سه دهه اخیر اجرا شده است. به‌خاطر همین اظهارات و پس از پیروزی او سرمایه بین‌المللی و مافیای اقتصادی داخلی، تهاجم هدفمند به برنامه او و دولتش را در دستور کار قرار داده‌اند. برای مثال صندوق بین‌المللی پول در جهت همین تهاجم سازمان‌یافته، در یک ارزیابی ستیزه‌جویانه برآورد نرخ رشد اقتصادی این کشور را برای سال آینده ۲٫۱ درصد اعلام کرد و برآورد نرخ رشد ۲٫۵ درصدی چند ماه پیش خود را برای اقتصاد این کشور به‌طور ناگهانی کاهش داد. باوجود این مخالفت‌ها، ظهور آملو در سیاست مکزیک نشان‌گر تأثیر نسل جدیدی از نیروهای دموکراتیک در منطقه آمریکای لاتین و مرکزی است که می‌تواند به‌منزله یک نیروی مقاومت علیه نیروهای راست‌گرایی تلقی شود که در انتخابات گذشته آمریکا و انتخابات اخیر برزیل، حقوق سیاسی و اقتصادی مردم

و طبقه کارگر این کشورها از جمله رفاه و تأمین اجتماعی را نشانه گرفته‌اند. برنامه آملو و پیروزی او را می‌توان الگویی برای برقراری رفاه اجتماعی در خدمت کارگران و مردم عادی این منطقه و به‌طور خاص در کانادا و ایالات متحده دانست تا این سه کشور را به‌سوی اصلاح نفثا از سازمانی در خدمت سود بیش‌تر سرمایه‌گذاران به سازمانی بین‌المللی به‌سوی نهادی در جهت بهبود استانداردهای زندگی مردم عادی و رفاه کارگران این سه کشور تغییر جهت دهند. در سالیان اخیر، الگوهایی از همکاری اتحادیه‌های کارگری مکزیک، آمریکا و کانادا برای بهبود حقوق کارگران به‌خصوص در مناطق مرزی مشاهده شده‌است که می‌تواند جوانه ظهور سیاست همکاری و همبستگی کارگران و مردم این کشورها در آینده باشد. اکنون آملو قدم بزرگی را در مکزیک برداشته است اما به نظر می‌رسد مکزیک به‌تنهایی نمی‌تواند این تغییر را به سرانجام برساند و به‌گسترش و پیوند این موج با کشورهای دیگر این منطقه نیز نیاز است به‌خصوص که آملو و حامیان او برای دهه‌ها هرگز در قدرت نبوده‌اند و تجربه اجرای برنامه‌های خود را در دولت ندارند.



چگونه نئولیبرالیسم مکزیک را نابود کرد؟^۱

دیزی کاتر، تحلیل‌گر رفاه اجتماعی

ترجمه: سینا چگینی

با مشاهدهٔ صدها هزار مکزیک‌ی فقیر که هر ساله به مرزهای جنوبی (ایالات متحده) می‌روند تا از فقر مداومی که کشورشان به آن دچار است، بگریزند بسیاری می‌پرسند چرا مکزیک قادر نیست برای شهروندانش زندگی بهتری را فراهم کند. در بسیاری از محافل معمول شده‌است که صرفاً وضعیت فلاکت‌بار را سرزنش و آن را به حال خود رها کنند. همان‌طور که اغلب می‌گویند ما به آن‌ها دسترسی به بازارهای خود را از طریق نفتا اعطا کردیم. بنا به این نظر، هرگونه مبارزه بیش‌تر، خطای خود مکزیک‌ی‌ها است. آنچه چنین داستانی در نظر نمی‌گیرد، آن است که به شیوه‌های متعدد، توافقاتی نظیر نفتا نه تنها راه‌حل نیستند بلکه به واقع بخشی از مشکل هستند. در این یادداشت به شیوه‌های متعددی مستند شده‌است که نخبگان اقتصادی نئولیبرال که اکثراً از طریق صندوق بین‌المللی پول عمل می‌کنند، به غارت اقتصاد مکزیک به سود سرمایه‌گذاران خارجی و طبقه محدود الیگارشی داخلی دست می‌زنند.

قبل از آنکه دولت مکزیک، دکترین نئولیبرال را بپذیرد، دولتی صنفی‌گرا یا شرکتی تحت حاکمیت حزب انقلابی نهادی در مکزیک بر سر کار بود که از سال ۱۹۲۹ تا سال ۲۰۰۰ میلادی قدرت را در این کشور در اختیار داشت. این دولت، برنامه مدرنیزاسیون دولت محوری را بر اساس صنعتی‌سازی جایگزین واردات (ISI) و انجام صادرات به ایالات متحده اجرا می‌کرد.

1. <http://yon.ir/vLtBb>

شرکت‌های انحصاری دولت، امور زیربنایی، انرژی، امور رفاهی و صنایع کلیدی مشخصی را در اختیار داشتند. این دولت، کنترل‌های سفت و سختی را روی سرمایه خارجی اعمال می‌کرد. سرمایه‌گذاری‌های ایالات متحده اکثراً به سوی کارخانه‌های ماکیولا (maquila)^۱ در نزدیکی منطقه مرزی که از نیروی کار ارزان سود بیش تری به جیب می‌زد، سوق داده می‌شد. توسعه اقتصادی تا دهه پنجاه و دهه شصت میلادی تا حدودی موفق بود اما مزایای آن به طور برابر به سوی همه اعضای جامعه سرازیر نمی‌شد. گاهی جنبش‌هایی از سوی دهقانان، کارگران و طبقه متوسط برمی‌خاست که دولت با آن‌ها چه با مصالحه و چه با سرکوب، خشن برخورد می‌کرد. به طور خلاصه، این نظام ناکامل بود اما به بسیاری از چیزهایی که در کشورهای جهان سوم جریان داشت، بس بسیار رجحان داشت.

بحران اقتصاد جهانی در دهه هفتاد شدیداً بر مکزیک اثر گذاشت و ملی‌سازی شرکت‌های ورشکسته خصوصی به منزله شیوه‌ای در جهت آرام کردن طبقه کارگر، به طور فزاینده اجرا شد. این شرکت‌های دولتی با وام‌هایی از سوی بانک‌های سرمایه‌گذاری نیویورک تأمین مالی شدند و اغلب، پول‌ها را از کف دادند. بدهی خارجی مکزیک بین سال‌های ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۲ به سرعت از ۶۸ میلیارد دلار به ۵۸ میلیارد دلار افزایش یافت. بسیاری از افراد در جناح چپ بیان کردند که اگر اه دولت مکزیک برای مداخله در جهت ردگیری سودبخش خصوصی، توانایی این کشور را برای به دست آوردن عواید و حفظ سطحی از توسعه پایدار محدود کرده است.

شوک‌هایی از قبیل سیاست پل ولکر^۲ رئیس فدرال رزرو برای افزایش نرخ بهره به سطوح نجومی در دهه هفتاد و هشتاد، رکود آمریکا که تقاضا برای محصولات مکزیکی را کاهش داد و کاهش قیمت نفت، اجماع واشنگتن^۳ را قادر ساخت که خود را به مکزیک تحمیل کند. مکزیک که به گوشه رینگ افتاده بود، در فوریه ۱۹۸۲ ارزش پزو (پول رایج) را در حدود ۷۸ درصد از دست

۱. واحدهای تولیدی و کارخانه‌های مستقر در مناطق آزاد تجاری که در آن کارگران از بسیاری از مفاد قانون کار و حمایت‌های تأمین اجتماعی و رفاهی محروم‌اند.

2. Paul Volcker

3. Washington Consensus

داد. در ماه اوت اعلام ورشکستگی کرد و هم‌زمان از ایالات متحده تقاضای کمک اضطراری نمود. به‌زودی و دوباره ارزش پزو به میزان ۶۰ درصد کاهش یافت. در تلاش برای مبارزه با فرار سرمایه، رئیس‌جمهور وقت، لویز پورتیلو^۱ در آخرین سخنرانی خود برای مردم در یک سپتامبر سال ۱۹۸۲، فرمان ملی‌سازی بانک‌ها را اعلام کرد. طبقه تجاری مخالف این اقدام بود. ظرف چند ماه، میگوئل دلامادرید^۲ به مقام ریاست جمهوری مکزیک رسید که ابزاری برای اجرای سیاست‌های دلخواه طبقه تجاری، هم در مکزیک و هم در سراسر جهان بود.

نخستین توصیه سیاست‌گذاری، کاهش بودجه عمومی بود. این به معنای ایجاد رکود در سال‌های ۱۹۸۲، ۱۹۸۳ و ۱۹۸۶ بود. در سال ۱۹۸۴ دولت مکزیک وامی را از صندوق بین‌المللی پول دریافت کرد. این وام نخستین دریافت وام از این نوع، از صندوق بین‌المللی پول بود که بر اساس آن این صندوق حکم می‌کرد که مکزیک برنامه تعدیل ساختاری عظیمی را در اقتصاد به اجرا بگذارد. این برنامه به معنای خصوصی‌سازی دارایی‌های عمومی، تحدید و انقباض بودجه‌ای، آزادسازی مالی، کاهش موانع تجاری و اصلاحات مشابه دیگر بود. لازم به گفتن نیست که تاثیر فوری این برنامه روی مردم معمولی مکزیک چیزی کم‌تر از ویرانی نبود. در دوره بین سال‌های ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۸، درآمد سرانه سالانه به میزان ۵ درصد و ارزش دستمزد واقعی کارگران بین ۴۰ تا ۵۰ درصد سقوط کرد.

مخارج عمومی برای خدمات اساسی در مکزیکوسیتی نظیر آب، حمل و نقل، سلامت و جمع‌آوری زباله به شدت کاهش یافت و به همین سان، میزان جرم و جنایت به سطوح غیرمعمولی افزایش یافت.

در سال ۱۹۸۲ دولت مکزیک مالک حدود ۱۱۰۰ شرکت بود. در سال ۲۰۰۰ این شرکت‌ها به حدود ۲۰۰ شرکت کاهش یافته بود. فرآیند خصوصی‌سازی متضمن فرآیند دردناک ساختارسازی دوباره برای قراردادهای کاری بود که منجر به خیزش‌های متعدد اتحادیه‌ای شد. این خیزش‌ها توسط رئیس‌جمهور،

1. Lopez Portillo

2. Miguel de la Madrid

کارلوس سالیناس^۱ که در سال ۱۹۸۸ به قدرت رسیده بود، با اعمال زور درهم کوبیده شد. چندین بار، سربازان برای درهم شکستن اعتصابات به کار گرفته شدند. در سال ۱۹۸۹ سرمایه گذاری خارجی آزادسازی شد، اکثر مالکیت های خارجی مجاز شمرده شد و در سال ۱۹۹۰ بانک ها دوباره خصوصی شدند. تا سال ۲۰۰۰، حدود ۲۴ بانک از سی بانک این کشور به مالکیت بیگانگان درآمد. مضاف بر این ها، در سال ۱۹۹۳ آزادسازی خدمات مالی به اجرا گذاشته شد. تاثیرات این اقدام توسط بنیاد آکسفام (Oxfam) مستند شده است:



«برای مثال زمانی که مکزیک در سال ۱۹۹۳ خدمات مالی را در جهت آمادگی برای موافقت نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی موسوم به نفتا آزاد کرد، مالکیت خارجی نظام بانکی در هفت سال به میزان ۸۵ درصد افزایش یافت اما میزان قرض دادن این بانک ها به کسب و کارهای مکزیکی از میزان ۱۰ درصد تولید ناخالص داخلی به میزان سه دهم درصد کاهش یافت و مردم فقیری را که در مناطق روستایی زندگی می کردند، از منابع اعتباری حیاتی محروم کرد.»

از سال ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۳ در حدود ۹۱ میلیارد دلار به این کشور سرازیر شد. به رغم این ها، رشد [اقتصادی] در سال ۱۹۹۲ به آرامی کاهش یافت، به گونه ای که برخی امکان بقا ذیل وابستگی به تأمین مالی خارجی را به پرسش کشیدند. در سال ۱۹۹۴ آمیزه ای از افزایش نرخ های بهره در آمریکا با بی ثباتی سیاسی، سرمایه گذاران خارجی را متقاعد کرد که پول هایشان را از این کشور بیرون بکشند. این موضوع منجر به بحران پزو در سال ۱۹۹۵ شد که تولید ناخالص داخلی را به میزان ۶٫۲ درصد و دستمزدها را به میزان ۲۵ درصد کاهش داد. در مواجهه با این بحران، بانک ها و کسب و کارهای مکزیکی مجبور به حراج و مفت فروشی دارایی خود به سرمایه گذاران خارجی (اغلب آمریکایی) شدند. سرانجام سرمایه آمریکایی، اقتصاد به طور فزاینده صادرات محور مکزیک را به تسلط خود در آورد. درصد صادرات توسط چندملیتی ها از ۵۶٫۵ درصد در سال ۱۹۹۴ به ۶۴٫۲ در سال ۱۹۹۸ افزایش یافت؛ این بدان معناست که

1. Carlos Salinas

سرمایه گذاران خارجی از نیروی کار مکزیکی به سود دست می یافتند، نه مکزیکی ها. این تاثیرات روی کارگران مکزیکی خسارت بارتر بود:



«از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۸، درصد کارگران شهری استخدامی دارای دستمزد از ۷۳،۹ درصد به ۶۱،۲ درصد کاهش یافت. در همین زمان، درصد کارگران بی مزد از ۴،۶ درصد به ۱۲ درصد افزایش یافت و درصد خویش فرمایان از ۱۶،۶ درصد به ۲۲،۸ درصد افزایش یافت. علاوه بر این، در همین زمان کارگران مزدی و کارگران خویش فرما، کاهش عظیم میانگین درآمد ساعتی را متحمل شدند، به ترتیب ۲۶،۶ درصد و ۴۹،۶ درصد. در حالی که دستمزدها در سال ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ افزایش یافت اما میانگین درآمد هنوز زیر سطوح سال ۱۹۹۴ باقی مانده است.»

اجرای نفتا مجموعه این عوامل را تشدید کرد. سیل ورود ذرت یارانه ای از آمریکا به بازارهای مکزیکی قیمت ذرت را به میزان ۷۰ درصد کاهش داد. این موضوع معیشت حدود ۱۵ میلیون مکزیکی را تحت تاثیر قرار داد که به درآمد ذرت وابسته بودند و در معرض خطر قرار گرفتند. شاید بدترین چیز، قیمت کالاهای اساسی نظیر نان مکزیکی ساخته شده از ذرت بود که قیمت آن به شدت افزایش یافت. این اتفاق به دلیل آزادسازی بازار مواد غذایی تحت قرارداد نفتا بود که به شرکت های انحصاری خصوصی نظیر ماسکا^۱، مینسا^۲ و کارگیل^۳ اجازه داد تا در عرضه محصولات غذایی دست به احتکار بزنند و قیمت را بالا ببرند. نتیجه این فرآیند چنین شد:



«از زمانی که نفتا در ژانویه ۱۹۹۴ به اجرا درآمد، قیمت نان مکزیکی ۷۳۸ درصد افزایش یافته است. در نتیجه، مصرف سرانه آن کاهش یافته است.»

-
1. Maseca
 2. Minsa
 3. Cargill

به علاوه، کیفیت آن از بین رفته است.»

در سال ۲۰۰۳ موسسه «موقوفه کارنگی برای صلح بین المللی»^۱ گزارشی را درباره نهمین اجلاس سالانه نفتا منتشر کرد. یافته‌های این گزارش بیان می‌کند:

● ۳۰ درصد همه مشاغل که در بخش ماکویلا (تولیدات مونتاژ صادراتی) ایجاد شده‌اند، به خاطر این که کارخانه‌ها برای دستیابی به کشورهای با دستمزد کم تر نظیر چین، تاسیسات خود را منتقل کرده‌اند، از بین رفته‌اند.

● به رغم رشد بهره وری، دستمزدهای واقعی در مکزیک پایین تر از زمانی است که نفتا در ابتدای راه بود. همچنین باید متذکر شد که دستمزدها در مکزیک به جای آنکه همسان با دستمزدها در ایالات متحده باشند، متفاوت‌اند.

● اختلاف درآمد به شدت افزایش یافته است؛ درحالی که ۱۰ درصد خانوارها سهم خود را از درآمد ملی افزایش داده‌اند، حدود ۹۰ درصد خانوارها سهم خود را یا از دست داده‌اند یا هیچ تغییری را در آن ندیده‌اند.

عصر نتولیرال در مکزیک، جهنمی را برای مردم عادی مکزیک ساخته و هم‌زمان، دورانی طلایی را برای سوپر ثروتمندان ایجاد کرده است. تخمین زده می‌شود که برنامه‌های خصوصی سازی حدود ۲۴ میلیارد خلق کرده است. در بین این میلیاردرها، کارلوس اسلیم^۲ ثروتمندترین مرد مکزیک، چهار شرکت بزرگ مکزیک را از سال ۱۹۹۴ در اختیار دارد و تا سال ۲۰۰۵ مکزیک در رتبه پنجم به لحاظ تعداد میلیاردرها قرار دارد و حتی از عربستان سعودی پیشی گرفته است.

در نهایت نتولیرالیسم منجر به مسائل بسیاری برای مکزیک شده که امروز حجم عظیم مشکلات مهاجرت غیرقانونی را به بار آورده است. اگر به دنبال یافتن «علل ریشه‌ای» مهاجرت غیرقانونی هستیم، ما باید به فراتر از مکزیک نگاه کنیم و به شیوه‌های غارت تشکیلات نتولیرال بین‌المللی در بسیاری از نقاط جهان و تحت نام «بازار آزاد» و «تجارت آزاد» توجه کنیم.

1. Carnegie Endowment for International Peace

2. Carlos Slim

زمانی آمبالوانر سیوندان^۱ خطاب به نژادپرستان سفید در انگلستان درباره مهاجران غیر سفید که ظاهراً برای دزدی ثروت اروپا به آنجا آمده‌اند، گفت:



«ما اینجا هستیم چون شما آنجا بودید» امپریالیسم، تشکیلات سرمایه داری است که منجر به حجم عظیم مهاجرت به جهان اول شده است. این کنایه را نباید فراموش کنیم.

۱. Ambalavaner Sivanan: رمان نویس مشهور سریلانکایی